

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

ردیف	واژه ها و اصطلاحات	به کار رفته شده در	چم (معنی) واژه های اوستایی و پهلوی به فارسی روان
۱	آبان - آب	ماه آبان - روز آبان - جشن آبانگان	واژه پهلوی آن آو - اوستایی آن آپ - گرامیداشت آب و سپاسگذاری از مایه نجات طبیعت
۲	آتر - آتور - آترش	آذربایجان	آتش - در کردی آگر - واژه مقدس در ایران
۳	- آتروان - آتورنان آتروپاتان		نگهبان آتش - موبد نگهبان آتشکده های ایران
۴	آتش بهرام - آذر بهرام	آتش مشهور ایرانی	آتش حافظ اتحاد خانواده ایرانی - آتشی مقدس که روش تهیه آن با تمام آتشها متفاوت است
۵	آثر	ماه آذر - روز آذر - جشن آذرگان	آذر - آتش
۶	- آذربایجان آذرآبادگان	زادگاه اشو زرتشت	زادگاه پیامبر آریایی - سرزمین نگهبانان آتش - محل آتشکده های نامدار شیز و آذرگشنسب
۷	آرمیتی	پنجمین روز ماه ایرانی - جشن سپندارمذگان	سپنتا آرمیتی - عشق و محبت - جشن مزدبگیران و جشن زنان ایرانی
۸	آسمان	روز ۲۷ ماه ایرانی	در اوستا اسمن به چم سنگین آمده است . سنگ از همین واژه است
۹	آمو - آموی	آمل در مازندران	نام قبیله ای در طبرستان در چم مخرب و مضر است
۱۰	آمودریا	جیحون	رودی میان خراسان و ماورالنهر - تیر آرش بر لب رود جیحون نشست
۱۱	آموپه	آمل	شهری در جنوب شرقی ترکمنستان (توران) که هم اکنون چهارجو است و آرش از آنجا تبرش را رها کرد
۱۲	ائشمه		خشم - دیو غضب و تندخویی

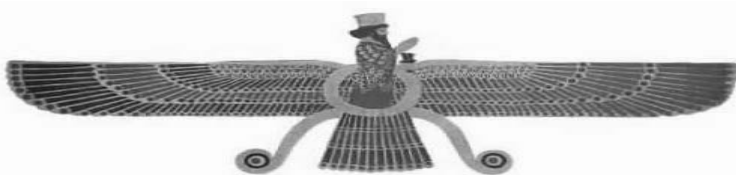
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

۱۳	ائیرامن	آریارمن نیای داریوش بزرگ	طبقه پیشوایان دینی ایران - آری یامن در سانسکریت و اوستا = یار و دوست
۱۴	ائیرینه	ایران	همان ایران - آریارامنا نام جد داریوش بزرگ
۱۵	ائیرینه وئجه - ائیران وئج	ایران	نام کهن ایران - در چم سرزمین آریایی
۱۶	ابرهام		به چم طبیعت - فارسی آن پرهام - تازی آن ابراهیم
۱۷	ابرویز	پرویز	واژه ای کهن به چم پیروز - سربلند و فاتح است
۱۸	اپاختر	باختران	باختر - در اوستا به چم شمال است - در مزدیسنا پایگاه اهریمن است
۱۹	اتیوتی	اوستا	تندرستی
۲۰	ارتشتاران	نیروی ارتش کشور ایران	یکی از ۴ طبقه کشوری ایران باستان - به چم جنگاوران
۲۱	ارته خشته	اردشیر	به چم پادشاه راستگو و درست کردار
۲۲	ارخش	آرش	در بندهای ۶ - ۳۷ تیر یشت درباره آرش کمانگیر صحبت شده است
۲۳	ارد - آراد	- اردشیر - اردبیل - اردوان - اردلان - اردیبهشت	روز ۲۵ ماه ایرانی - به چم فر و شکوه - در پهلوی رامش دهنده - ماه دوم ایرانی
۲۴	اردبیل	نام قبلی آن بادان فیروز بوده	کیخسرو پس از گرفتن دژ بهمن در اردبیل به پادشاهی رسید و آتشکده آذرگشسب را پایه نهاد
۲۵	اردستان	ارد + ستان	به چم جایگاه شکوه و بزرگی - زادگاه انوشیروان دادگر - اردشیر اول آتشکده ای بزرگ در آنجا بنا کرد
۲۶	اردشیر خره	فیروز آباد	شهری که اردشیر پاپکان بنا نهاد و مورخین گفته اند آباد تر از این شهر در ایران نبود - عضدالدوله در سال ۳۳۵ هجری نام آنجا را تغییر داد و فیروز آباد گذاشت
۲۷	اردی بهشت	اردیبهشت	بهترین راستی و درستی - ماه بهشت و زیبایی و درستی

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

در کنیبه داریوش بزرگ به عنوان شهری کوچک از ایران آمده است - زادگاه شیرین معشوقه خسرو	ارمنستان - ارمنی	ارمن	۲۸
دریاچه مقدس ارومیه که نطفه زرتشت در آنجاست ارزش خاصی بین ایرانیان دارد - آتشکده های شیز و آذر گشنسب نیز مهمترین آثار آنحاست	ارومیه	ارمیه	۲۹
واژه ای پهلوی - حیوان موذی که آسیب میرساند - اژی دهاک از همین روی به ضحاک نسبت داده شده است	مار	اژی	۳۰
واژه ریس انگلیسی از اسب به چم دونده و چابک آمده است	لهراسب - گشتاسب - جاماسب	اسب - اسب	۳۱
نام خانودگی اشو زرتشت - نیای نهم زرتشت - به چم نژاد سپید	زرتشت اسپنتمان	اسپنتمان - سپتام	۳۲
تیره ای از ایرانیان در گرگان که در زمان ساسانیان برگزیده قوم خود در خاندان سلطنتی بودند	سپهد	اسپهد	۳۳
راستی - درستی	پیام زرتشت	اشا	۳۴
بیست و ششمین روز ماه ایرانی - به چم عدل و دادگستری	ارشات - اردامنش	اشتاد	۳۵
در اوستایی به چم سلامت و عافیت	یکی از ۵ قسمت گاتها	اشتود گات	۳۶
در اوستایی به چم پاک و مقدس	اشو زرتشت - اشو داد	اشو	۳۷
پاداش		اشی	۳۸
امرداد - جاودانگی - نامردنی	- هفتمین روز ماه ایرانی - ماه امرداد جشن امردادگان	امرتات	۳۹
ان = حرف نفی و انوشه = مرگ در کل به چم جاودانه	انوش - انوشیروان - انوشه	ان ئوش	۴۰
به چم سرزمینهای متعلق به ایران که مردمانش ایرانی نیستند و همه زیر نظر امپراتوری سترگ ایران بودند	انیران	ان ائیریا	۴۱
میوه ای است که هم اکنون در جشن یلدا و پیوند همسران زرتشتی و ایرانی به کار میرود	میوه مقدس زرتشتیان	انار	۴۲
یکی از ۹ ماه سال در زمان هخامنشیان است که در بیستون نامش آمده است	ماه هخامنشی	انامک	۴۳

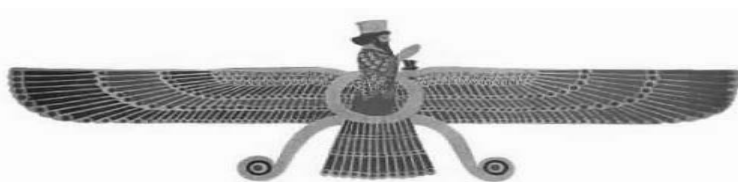
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

۴۴	انبیار	شهر ایرانی در نزدیکی بغداد	این شهر توسط شاهنشاه شاپور ذوالاکتاف بنا شد
۴۵	اندرزنامه	با ارزشترین اسناد اخلاقی پیش از اسلام	اندرز آذرباد مهراسپندان - اندرز داناک اوشنداناک - اندرز خسرو کواتان - چیتیک اندرز پور یوتکیشان - اندرز زرتشت پسر آذرپاد مهر اسپندان - اندرز بخت آفرید - اندرز بزرگمهر - اندرز نوشیروان و زرتشت
۴۶	انگره مینو	انگره + مینو	به چم نابود کننده + روح و افکار
۴۷	اهنود گات	نخستین بخش گات ها	به چم سرور و والا
۴۸	اودر	سگ آبی	سگ آبی در وندیداد و در زبان سانسکریت هم همینطور
۴۹	اورامان	منطقه ای در کردستان ایران	بر بالای تپه ای قرار دارد و مردمان آنجا به اوستایی سخن می گویند و هنوز آتشکده ها در آنجا بنا است
۵۰	اوشتره	اسب - شتر - بزرگ	نام بسیاری از بزرگان ایران مانند : گشتاسب - فرشوشتر - پوروشسب در کردی و شتر است
۵۱	ایران - فارس - پارس	پارس	تازیان آنرا فارس خوانده اند - پهلوی آن پارسی - قومی از قبایل آریایی است - بسیار از پارسیان کهن پس از یورش اعراب به بمبئی - کراچی - کلکته نقل مکان کردند و اسلام را نپذیرفتند
۵۲	ایران شاه	آتش مقدس مهاجرت ایرانیان	پس از یورش اعراب به ایران آتش ساخته شد و آنان که ترک وطن کردند آنرا که هم اکنون در ۱۰۰ کیلومتری بمبئی است مستقر کردند و هر ساله عده زیادی برای گرامیداشت نیاکانشان به آنجا میروند
۵۳	باگوان	باکو	از ریشه بغ ایرانی است - یکی از شهرهای مهم ایرانی بود که آتشکده باکو در آنجاست و با نفت همیشه روشن بوده است . هم اکنون در ده سوراخ خانه آثار آن باقیست
۵۴	بانواک	بانو	ترکی آن خانم است - پهلوی آن بانواک است
۵۵	باورد	ایبورد ترکمنستان کنونی	ویرانه باستانی آن متعلق به شاهنشاهی اشکانیان است - باورد فرزند گودرز ایرانی بود که آن شهر را بنا کرد
۵۶	برات روکرش	قاتل زرتشت	زرتشت در ۶ فروردین ماه زاده شد و در ۱۱ دی ماه پس از ۷۲ سال زندگی باشکوه چشم از جهان فروبست
۵۷	بردع - بردعه	شهری در روسیه کنونی	نزدیک شیز و از شهرهای ایران بود که کیخسرو به انتقام خون سیاوش افراسیاب را به قتل رساند
۵۸	برز	البرز - گرز	به چم بلند و با شکوه است

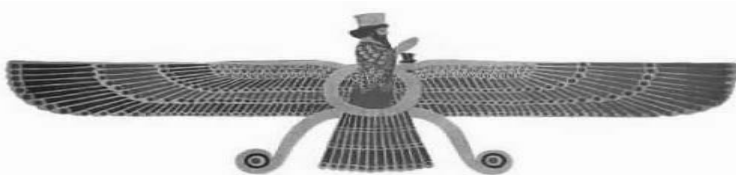
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

سنبول ستایش از گیاهان است که یزدگرد سوم در آخرین لحظه های زندگی آنها خواست و همین امر مایه شناسایی او شد و او را ماهوی سوری به قتل رساند	شاخه درخت انار	برسم	۵۹
واژه ای بسیار کهن پیش از زرتشت به چم سرور جهان - خدا	بغداد	بغ	۶۰
شخصی که در کتیبه سارگون پادشاه آشور توسط او اسیر شد و پوست بدنش کنده شد . او ایرانی بود	بغداد	بگ داتی	۶۱
سرزمینی که زرتشت دین را به کیگشتاسب عرضه کرد - پایتخت ایران در زمان کیکاووس و تا چند دهه پیش جزوی از ایران بود	بلخ	بلخ بامیان	۶۲
در حدود ۱۳۰۰۰ کلمه است - شامل نوشتارهای تاریخی - جغرافیایی و دینی ایرانی است	کتاب دینی ایرانیان	بندهش	۶۳
به چم منش خوب و نیک - در اوستای به چم اندیشیدن - وهو = خوب - من = منش و روان	- ماه ایرانی - روز ۲ از ماه ایرانی جشن بهمنگان	بهمن - وهومن	۶۴
کلمه ای پهلوی و نام چند تن از بزرگان ایران - اردشیر پاپکان - بابک خرمدین - موبد زمان ساسانی	بابک	پاپک	۶۵
زبانی که برگرفته شده از زبانهای باستانی است - افغانستان - تاجیکستان - برخی قسمتهای هند - پاکستان - عراق - آذربایجان نیز گویشهای مختلف دری پارسی است	فارسی	پارسی	۶۶
کتیبه مشهور شاهنشاه نرسی ساسانی در آنجاست و نقش برجسته او کنده شده است - در سال ۱۹۱۰ نوشته های بر پوست آهو از آن بدست آمد که نوشته بود آتشکده ها ایران به دست تازیان ویران شد - روستاهای ایران به آتش کشیده شد - زنان و دختران به بردگی گرفته شدند مردان در خون غلطیدند و ایران نابود گشت	شهری ایرانی در عراق کنونی	پایکولی	۶۷
در پهلوی پرامون گویند و در فارسی روان گرداگرد چیزی را گویند	پیرامون	پرامون	۶۸
خروس فارسی از خراوش اوستایی است - خروش نیز از همین واژه است	خروس	پرودرش	۶۹
به پسر گفته می شود - واژه ای ایرانی	فرزند	پور	۷۰
به نوشته برهان قاطع ایرانیان ۵ روز آخر آبان ماه را جشن می گرفتند	جشنی ایرانی	پوردگان	۷۱

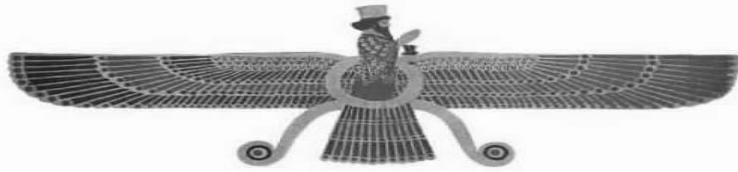
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

پهلوی آن هوتخشان است - در فارسی روان پیشه ور و طبقه زحمت کشان است	پیشه ور	پیشترا	۷۲
در پهلوی به چم تخم است ولی در فرس هخامنشی و گاتها به چم دلیر است	تخم	تئوخمه - تهم	۷۳
یکی از بزرگان عرب است که ریشه همه عربها به او بر میگردد - ایرانیان چون مورد یورش آنان قرار گرفتند آنان را تازش کننده وحشی و تازی نامیدند	اعراب	تازی	۷۴
از اقوام ایرانی است که از تازیک یا تاجیک عربی گرفته شده است	تاجیکستان	تازیک	۷۵
به چم ستایش از باران و آب است که هستی را زنده نگه میدارد	ماه تیر - روز ۱۳ ماه ایرانی	تشتیر - بشتر	۷۶
قبیله ایرانی و آریایی بودند که چون شهر نشین نبودند بیتمدن بودند - شهری ایرانی بود	ترکمستان کنونی	توران	۷۷
توش - توانایی		توشی	۷۸
نخستین کاخ سپید دنیا - اعراب آنرا مدائن به چم مدینه ها (شهرها) نام نهادند - آنجا بزرگترین پایتخت تجاری آنروزگار بود که پایتخت اشکانیان و ساسانیان بود ولی پس از اعراب ویران شد و ثروتهای آنجا غارت شد	مدائن	تیسپون کسری	۷۹
جامی اسطوره ای که به کیخسرو پادشاه ایران نسبت داده اند و از آن برای دیدن آینده استفاده میکردند	جام جم	جام کیخسرو	۸۰
در فاصله ۴۵ کیلومتری خانقین - در سال ۱۶ هجری نبردی خونین بین ایرانیان و سپاه اسلام درگرفت	شهری ایرانی در عراق کنونی	جلولا	۸۱
دانش		چستی	۸۲
تازی آن صلیب است - همان که عیسی را با آن به سه گوش بستند	صلیب	چلیپا - چلیپ	۸۳
به دو چم است - نخست نمایش و پیدایش - سپس به چم تخمه و نژاد	چهره	چیئر	۸۴
به چم دانش و علم - نام دختر زرتشت نیز پورچیستا بود	چیستی	چیستا	۸۵
یکی از شهرهای پر رونق ایران ساسانی که طاق گرا نیز آنجاست ولی پس یورش سپاه اسلام به کلی ویران شد سال ۱۹ هجری	شهری در جنوب سر پل ذهاب	حلوان	۸۶

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

یکی از شهرهای دوره شاهنشاهی ساسانیان بود که پس از یورش سپاه اسلام نابود گشت و جدا شد	شهری ایرانی در یک فرسنگی جنوب کوفه	حیره	۸۷
از ختای پهلوی گرفته شده به چم ایزد یکتا	خدا	ختاد	۸۸
خرد - شعور		خرتو	۸۹
موجودات و جانوران موزی - در گاتها نیز آمده است	حشره	خرفستر	۹۰
فر و شکوه و بزرگی است که شخصی با عنایت بر آن به مقامی خواهد رسید . با وابستگی خداوند	فره - اردشیر خره	خره	۹۱
به چم نورانی - جمشید از چم + شید است یا خورشید از خور + شید تشکیل شده است یا روزهای باستانی ایران	شید - نور	خشئت	۹۲
در زمان هخامنشیان کاربرد بیشتر داشته است	ساتراپ - مرزبان	خسترپاون	۹۳
شهریاری		خشتر	۹۴
واژه ای پهلوی به چم گودال	خندق	خنتک - کندک	۹۵
خور یا هور اوستایی است به چم نورانی - خراسان به چم جایگاهی که خورشید از آن برمیخیزد	خور - خراسان	خور + آسان	۹۶
واژه ای پهلوی به چم مغرب و جایی که خورشید غروب میکند	خاور	خوربران - خوروران	۹۷
اجزای دیگر آن یسنا - ویسپرد و وندیداد است شامل نیایش نماز و جشنهای باستانی و . . . است	خرده اوستا	خورتک اوستا	۹۸
واژه ای پهلوی است که به چم نگهبان آب و پاسداری از آب است	خرداد نام ماه و روز ششم ماه ایرانی و نام جشن خوردادگان	خورداد	۹۹
به دهقانی نیز گفته میشود	کشاورزی - کاری روزانه	خویشکاری	۱۰۰
دین - کیش - مذهب		دئنا	۱۰۱
نام رودی مقدس که بعضی ها آنرا آمودریا یا جیحون گفته اند و بعضی یا ارس - در وندیداد نامش آمده است	ارس - جیحون	دائیتی	۱۰۲

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

۱۰۳	دات	داد - انصاف	واژه پهلوی آن دات است به چم بخشیدن و دادگستری
۱۰۴	داتیک	یکی از بیست یک نسک اوستا	گاسانیک - هاتک مانسریک - داتیک
۱۰۵	دخم - دگ	دخمه	زمانی که آریاییان ایرانی و هندی با هم میزیستند مرده های خود را در آنجا میسوزاندند
۱۰۶	دری	زبان پارسی قدیم	از زمان ساسانیان به موازات پهلوی در ایران رایج شد - شاهنامه نیز دری است و واژه های عربی در آن نیست
۱۰۷	دریاچه چیچست	دریاچه ارومیه	واژه ای اوستایی است که فرزند زرتشت از آنجا ظهور خواهد کرد
۱۰۸	دریاچه سیستان	دریاچه هامون	کیانسه نیز گفته شده است و سه هزار سال پس از زرتشت نطفه او در آنجا بوجود آمده است
۱۰۹	دریای گرگان	دریای خزر	واژه اصلی آن گرگان است که پس از تجزیه شدن ایران در زمان قاجارها نام آن به مرور زمان به خزر تبدیل شد
۱۱۰	دهمان	آفرینگان	نیایش دادار اورمزد - امشاسپندان - نیاکان - داده های خداوند
۱۱۱	دوغدر	دختر - دخت	واژه ای پهلوی به چم دختر - مقابل آن پوس یا پور است که همان پسر است
۱۱۲	دی	ماه دی - روز ۸ هر ماه ایرانی = جشن دیگان	به چم آفریدگار - از ریشه دا دادن آمده است که فارسی آن دادار است
۱۱۳	دین دبیره	خطی ایرانی برای نگاشتن متون دینی	گات ها را با دین دبیره نوشته اند - از راست به چپ نگاشته میشود
۱۱۴	دینکرد - دینکرد	متون دینی و علمی ایرانیان	کتاب دینی ایران باستان به زبان پهلوی بوده که دایره المعارف کامل بوده است
۱۱۵	رئوخنش	روشنک - روشن	واژه ای اوستایی است که یونانیان آنرا از روشنک به رکسانا تغییر داده اند
۱۱۶	رام - رامن	روز ۲۱ ماه ایرانی	به چم صلح و آرامش - روزی که به صلح و نابودی جنگ مشهور است
۱۱۷	رام شهر	اهواز	نام باستانی و پادشاهی اهواز کنونی در خوزستان
۱۱۸	رایومند	واژه ای اوستایی	به چم دارنده فروغ و شکوه که بیشتر برای خداوند اهورامزدا به کار میرفته است

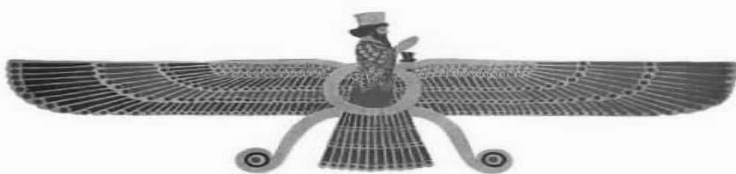
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

۱۱۹	رپیتون	عصر و نیمروز	به چم روز نیمه و جنوب نیز است
۱۲۰	رتوخشتر	شهریاری	شاهنشه در ایران باستان
۱۲۱	رشن - رشنو	نام ۱۸ از ماه ایرانی	به چم دادگری - روز بررسی کارنامه مردمان
۱۲۲	رگا	ری	از شهرهای مهم ایران که داریوش هم از آن نام برده است
۱۲۳	روسپی	زن بدکاره در ایران	واژه پهلوی آن روسپیک است - واژه اوستای آن جهیکا است
۱۲۴	زامیاد - زم	زمین	روز ۲۸ ماه ایرانی - در این روز درخت کاشتن و سبز کردن زمین ها لازم است
۱۲۵	زرتشت - زرتشتر	پیامبر ایرانی	شتر زرد - روشنایی و درخشش
۱۲۶	زرنگ	سیستان	نام کهن سیستان - آنجا سرزمین مقدس نیز خوانده شده است
۱۲۷	زروان	زمان	در اوستا زرون است که به چم دراز و زمان جاودانگی خداوند
۱۲۸	زریه	دریا	در واژگان هخامنشیان دریه است
۱۲۹	زند وهومن	بهمن یشت نیز گفته اند	کتابی درباره پیشگویی آینده ایران و دین زرتشتی بهی و دارای ۴۲۰۰ واژه است
۱۳۰	زیم	زمستان	در پهلوی دمستان و در اوستا زمستان به چم فصل سرما و زمستان
۱۳۱	ژوژه - ژوژک	خارپشت	در کرمان جوجیک میگویند - چون این حیوان نابود کننده مار بوده است در نامه های پهلوی آنرا ستوده اند
۱۳۲	سنن	سیمرغ - شاهین	واژه ای پهلوی که از سین + مرو آمده است گرفته شده
۱۳۳	سابه	ساوه	در انجیل آمده است ۳ مغ از ساوه برای ستایش عیسی به بیت الحلم رفته اند - مارکوپولو هنگام عبور از ایران دنبال آرامگاه این سه مغ زرتشتی بود
۱۳۴	سپاه داذور	قوه قضایی	در زمان شاهنشاهی ساسانی به نیروی دادگستری و قضایی گفته میشده است
۱۳۵	سپنت مینو		مینو افزاینده

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

یکی از ۵ قسمت گاتها به چم	گات ها	سپنتمد گات	۱۳۶
در آئین مزدیسنا هر ایرانی که فرزندی نداشته باشد در آن دنیا هنگام عبور از پل جینوت نمیتواند گذر کند	کسی که فرزندی نداشته باشد	ستر - استر	۱۳۷
- با پوشیدن لباسی ۹ تکه - بدون یقه آستین کوتاه و بدون آستین صورت می گیرد - در اوستا وهومنه و استره نامیده شده است برای دختر و پسر از ۱۵ سالگی این مراسم واجب است که باید لباسی سفید بر تن کنند	مراسم دینی ایرانیان	سدره	۱۳۸
از آغاز فصل سرد گفته میشده است - واژه ای اوستایی	سال - سرد	سرذ	۱۳۹
نیوشایی		سروش	۱۴۰
از زبانهای کهن که نزدیکی با اوستا دارد و در بین ایرانیان و هندیان مشترک بوده است	زبان مشترک آریایی ها	سنسکریت	۱۴۱
مرکز دولت عیلامیان بوده است و مهمترین بنای آن دوره معبد زیگورات است	خوزستان	سوزیانا	۱۴۲
به چم نجات دهنده در دین بهی است که مهدی موعود مانند همین است	ناجی	سوشیانت	۱۴۳
کوهی که زرتشت مدت ده سال را در آنجا از مردم دوری گزید - آتشکده آذرگشنسب در آنجاست در کنار اردبیل	کوه سبلان	سولان	۱۴۴
قومی آریایی که در پیش از ظهور زرتشت با ایرانیان دارای دین مهر بودند	تورانیان باستانی	سکاها - سیت ها	۱۴۵
پسر کیکاووس که متهم به عاشق شدن نامادری اش گشت و بهمین جهت مجبور به آزمایش عبور از آتش شد	سیاوش	سیاوخش - سیاورشن	۱۴۶
در روز ۱۴ از ماه دی ایرانیان شراب و سیر میخوردند برای دفع شر و شیطان از زندگیشان	جشن ایرانیان باستان	سیر سور	۱۴۷
قزوین در پیش از اسلام شادشاپور نام داشت که شاهنشاه شاپور اول آنرا ساخت	قزوین	شادشاهپور	۱۴۸
اوستایی آن خشتروئیریه است - پهلوی آن خشتریور - به چم آرزوی شهریاری و شاهنشاهی ایران	نام ۶ ماه سال - روز ۴ ماه ایرانی	شهریور	۱۴۹
شکافی که بر بدن مادر رستم زده شد تا رستم از آن بیرون آید - ژول سزار نیز همینگونه بدنیا آمد - سزارین امروز	سزارین	شکاف رستم	۱۵۰
یکی از بندرهای مهم ایرانی پیش از اسلام در جنوب ایران از زمان کیکاووس	سیراف	شیرآف	۱۵۱

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

یکی ز کارهای اهریمنی در ایران باستان - ایرانیان برای درگذشتگان خود زاری نمیکردند زیرا پندار آنها بر این بوده است که روح مرده پس از مرگ به جهان مینویی رفته و آنجا به خداوند نزدیک میشود	شیون و زاری	شیون ومویه	۱۵۲
نام کوهی مقدس در اورشلیم که پیروان آنجا بر عقیده باورند که فلسطین سرزمین یهودیان و اورشلیم پایتخت آنجاست	صهیونیسم	صهیون	۱۵۳
پس از یورش سپاه اسلام ملتهای غیر عرب عجم خوانده شدند - اکثر مورخین بر این عقیده اند که آنان ایرانیان را عجم خوانده اند که فردوسی هم بر این عقیده بود - در چم گنگ است	ایرانیان پس از اسلام	عجم	۱۵۴
از فروهر و فره وشی آمده است . ایرانیان در این روز عقیده داشتند فروهای نیاکان به زمین می آمدند و برای همین لباسهای نو می پوشیدند و خانه را تمیز میکردند و هنوز این رسم برقرار است	نخستین ماه - روز ۱۹ ماه ایرانی	فروردین	۱۵۵
واژه ای پهلوی	پیش از نیمروز	فریر	۱۵۶
در پهلوی فرشتک و در چم امشاسپند و مقام اهورایی است	فرشته	فریشت	۱۵۷
خرسندی		فسرتو	۱۵۸
نام سروده های آسمانی اشو زرتشت	سرود	گاث - گات - گاس	۱۵۹
به چم وابسته - خدایگان شاهنشاه اردشیر ساسانی به چم شاهنشاهی که به یاری خداوند پادشاه شد	خدایگان - مهرگان - تیرگان	گان	۱۶۰
= هم تقویم ایرانیان بوده و هم ۶ جشن باستانی مهم : ۴۵ روز از سال - ۱۵۰ روز از سال - ۱۸۰ روز از سال - ۲۱۰ روز از سال روز از سال و در ۳۶۵ روز از سال در ایران غیر از جشنهای نامدار جشن می گرفتند ۲۹۰	تقویم مزدیسنا	گاهنبار	۱۶۱
هم به چم مرد است در پهلوی و هم واژه ای که به چم کافر است به ایرانیان نسبت دادند اعراب	مرد	گبر	۱۶۲
در چم مرد است ولی پس از یورش سپاه اسلام به ایرانیان لقب دادند به چم کافر و آتش پرست	مرد	گبر	۱۶۳
دارنده اسب نر	آذرگشنسب	گشنسب	۱۶۴
گل بادگان	گلپایگان	گلبادگان	۱۶۵

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

توسط شاهنشاه شاپور اول در ۱۸۰۰ سال پیش بن شد و مرکز علمی منطقه گردید - شاپور شاه هم دانشگاه بین المللی را در آنجا ساخت و هم بیمارستان آنرا که پزشکانش از مصر و یونان می آمدند	جندی شاپور	گند شاپور	۱۶۶
بعضی آنرا کابل و دیگران آنرا شهری در شمال شرقی کابل و پیشاور دانسته اند	از ایالت‌های کورش در افغانستان	گنداره	۱۶۷
جهان زنده		گو	۱۶۸
جهان	چهاردهمین روز از ماه‌های ایرانی	گوش	۱۶۹
جهان روان - احترام به جانداران چرا که آنان پیش از انسانها بوجود آمده اند	گات ها	گوش ارون	۱۷۰
جهان روان - احترام به جانداران چرا که آنان پیش از انسانها بوجود آمده اند	گات ها	گوش تشن	۱۷۱
واژه ای هلوی به چم هستی - زندگی و جان	واژه ای پهلوی	گبه	۱۷۲
یکی از کتیبه های پهلوی ایران باستان در آنجا قرار دارد	در سواد کوه	لاجیم	۱۷۳
در هنگام اجرای جشن سده خورده میشده است	آجیل ایرانیان	لرک	۱۷۴
این شهر در آسیای صغیر قرار دارد در کنار دریای اژه که کروزوس شاه آنجا بود و کورش بزرگ او را شکست داد	شهری ایرانی	لیدی	۱۷۵
واژه پهلوی میثیا به چم خانه - مام - میهن است	میهن	مئثن	۱۷۶
صفتی است که برای افراد گنه‌کار آمده میشده است - صفت افراسیاب	فریفتار - نابکار	مئیریه	۱۷۷
آنان در جنوب آذربایجان و و اطراف همدان زندگی میکردند و در سال ۸۰۰ قبل از میلاد تشکیل حکومت دادند	قوم کهن ایرانی	ماد	۱۷۸
واژه ای پهلوی به چم خانه - نماد نگهبانی و احترام بنیاد خانواده است	خانه مان	مان	۱۷۹
پیام		مانثر	۱۸۰
زمانی که ماه هلال باشد - زمانی که ماه کامل است - زمانی که دوباره هلال میشود روحانیون نیایش میکردند	نیایش ایرانیان باستان	ماه نیایش	۱۸۱
واژه ای پهلوی - روز ۱۲ از ماه ایرانی	ماه	ماونگه	۱۸۲

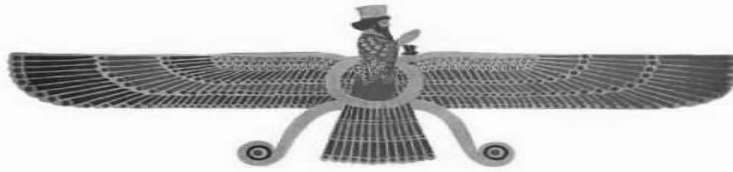
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

۱۸۳	مرتیا - مشیا - مرت	مردم	به چم فنا شدنی است - در کتیبه های هخامنشی و اوستایی آمده است - تازی شده آن انسان است
۱۸۴	مردگیران	جشن مزدگیران	ابوریحان بیرونی از آن به عنوان جشن گرامیداشت زنان در خانواده نام برده است - سپندارمذگان نیز گفته شده است
۱۸۵	مزدا	لقب خداوند	به چم دانا - تشکیل شده از مه (بزرگ) + زدا (دانا) در کل دانای بزرگ و برتر گفته میشود
۱۸۶	مزدیسنا	دین بهی زرتشتی	به چم خداپرست
۱۸۷	مژردک		آمرزش
۱۸۸	مگوس	مجوس	در چم مغ روحانیون باستان - ولی پس از یورش سپاه اسلام لقبی بود که به ایرانیان داده شد به چم کافر و آتش پرست
۱۸۹	مهرداد بهار	فرزند ملک الشعرا بهار	استاد دانشگاه - استادزبان پهلوی و اوستایی
۱۹۰	میترآ	مهر	نماد مهر - دوستی و انسانیت در ایران - در چم اوستایی نماد عهد و پیمان - آئینی که از ایران به اروپا رفت و جهانی شد
۱۹۱	میخی	خط ایرانیان باستان	از آنچه میخی گفته شده است که کلمات آن شبیه به میخ است - گرولفند آلمانی نخستین کسی بود که رمز گشایی کرد
۱۹۲	مینوی	بهشت	جهان آخرت که مقابل جهان مادی است - زرتشت نخستین کسی بود که از وجود آن دنیا خبر داد
۱۹۳	نسک	کتاب	واژه ای اوستایی که تازی آن کتاب است
۱۹۴	نماز	نیایش ایرانیان باستان به درگاه خداوند	یتا اهو - اشم وهو - وینگه هاتام مشهور ترین آنان است
۱۹۵	نمه	نماز	واژه ای پهلوی که فارسی آن نماز و پهلوی آن نیایش است
۱۹۶	نیرنگ	نیرنگ - فریب	واژه ای پهلوی - از آن به عنوان مراسم دینی هم یاد شده است
۱۹۷	نیمروچ	نیمروز	به چم جنوب - پهلوی آن نیمروچ - اوستایی آن رپیتو است
۱۹۸	هئروتات		رسایی - شیوایی
۱۹۹	هاونگاه	بامداد	واژه ای پهلوی که در چم نخستین زمان روز را گویند - در اوستایی نگهبان شبانه روز است

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

در وندیداد نام هرات آمده است - در کتیبه های داریوش بزرگ در بیستون آمده است و خداوند در فرگرد اول میگوید ششمین سرزمینی که به آفریدم هرات بود - هرات تا قرن پیش متعلق به ایران بود	شهری ایرانی در افغانستان	هرات	۲۰۰
همین نیز در اوستایی به چم تابستانی است	تابستان	هم	۲۰۱
یکی از سه اصل زرتشت - هومت - هوخت - هوورشت نیز گفته شده است	گفتار نیک	هوخت	۲۰۲
این واژه اکثرا برای زمین (زامیاد) بکار رفته میشده است	نیک اندیش	هوذا	۲۰۳
واژه ای اوستایی - روز ۱۲ هر ماه نام دارد - تشکیل شده از هور + شید در چم خورشید درخشنده و نورانی	خورشید	هورخشیت	۲۰۴
تازی آن جرجان است - در وندیداد نام گرگان آمده است	گرگان	هورکانیا - هیرکانی	۲۰۵
مدتها این شهر پایتخت شاهنشاهی اشکانیان بود و هنوز ابنیه های آن باقی است	دامغان	هکاتوم پلیس	۲۰۶
واژه ای پهلوی به چم دریاچه	دریاچه	وئیریه	۲۰۷
وایو هم در آریایی ها نام برده شده است	باد	وات	۲۰۸
در آئین مزدیسنا شمال جایگاه اهریمنان و جنوب جایگاه اهورامزدا است - اپاختر پهلوی به چم شمال - در فارسی باختر به چم غرب است	شمال	واختر - باختر	۲۰۹
در زمان ساسانی وزیر دهقانان - واستر یوشان سالار گفته میشد - واژه ای پهلوی	کشاورزان	واستربوشان	۲۱۰
در اوستایی وچ - در پهلوی واج در چم گویش است	گویش	وچ	۲۱۱
هریک از واژه های اوستا را وچنگ میگویند - از ریشه وچه به چم گفتن است	واژه های اوستا	وچنگ	۲۱۲
این کتاب از آثار هندیان است و بسیار شبیه به همان اوستای ایرانیان است	قدیمی ترین اسناد هند و ایرانی	ودا - وید	۲۱۳
ظهور نجات دهنده ایرانیان - او از نژاد کیانیان است و بهرام نام دارد و شاه بهرام ورجاوند نام دارد که ایران را آباد میکند	بلند پایه	ورجاوند	۲۱۴
پهلوی آن ورون به چم شهوت و فساد است	فساد	ورن	۲۱۵

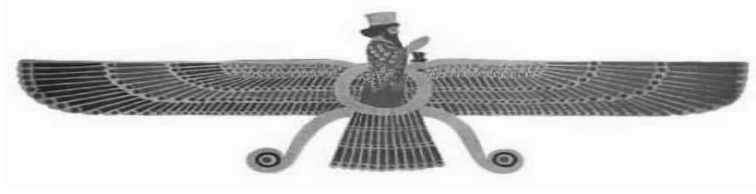
به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

روز ۲۰ ماه ایرانی - واژه ای مقدس - نام ستاره مریخ - آتش مقدس آذر بهرام - نام سرود های باستانی بهرام یشت نام بزرگان ایرانی = بهرام گور - بهرام فرزند گودرز - بهرام چوبین - بهرام ورجاوند پادشاه ایرانی در زمان کیانیان	بهرام	ورهرام	۲۱۶
در چم قوانین ضد دیوان است - نوعی کتب قانون و چگونگی انسانی زیستن است	کتاب دینی ایرانیان	وندیداد	۲۱۷
چهارمین بخش گاتها - در چم اقتدار نیک و کشور درست و خوب است	یکی از ۵ قسمت گاتها	وهوخشتر گات	۲۱۸
در چم منش نیک و درست است - در ستایش منش درست و بهی بوده که به مرور زمان نابود شده است	بخشی از اوستا	وهومند یشت	۲۱۹
پنجمین بخش گاتها در چم بهترین خواسته و نیکوترین سرمایه انسان است	یکی از ۵ قسمت گاتها	وهیشتواشت گات	۲۲۰
جمشید شاه طبقه دینی کشور را مکانی ساخت و آنان را از امور داخلی کشور منع کرد	یکی از طبقه ایرانیان - روحانیون	کاتوزیان	۲۲۱
هم به چم قطعه بریده شده است و هم وسیله جراحی در ایران باستان	ابزار جراحی	کرت	۲۲۲
به چم خیر خواهی (ثواب) است پهلوی آن کرپک است	کرفه گر	کرفه	۲۲۳
شرق = کست خورآسان غرب = کست خوروران شمال = کست اپاختر جنوب = کست نیمروچ	چهار جهت اصلی	کست	۲۲۴
دژی که سیاوش پس از مهاجرت به توران بنا کرد در شمال شرقی ایران - پرفسور کریسنسن نیز خبر از دژی در کوهها داد	کنک سیاوش	کنکه - دژ سیاوش	۲۲۵
به چم پادشاه - فرمانروا است مانند : کیکاووس - کی آرش - کی خسرو - کی گشتاسب - کیومرث	کوی	کی	۲۲۶
در پهلوی یاتوکیه است - در اوستا یاتو - در فارسی روان جادو است	جادو	یاتو	۲۲۷
اوستایی آن به چم در خور ستایش است	یزد	یز - یشن - یزدان	۲۲۸
در چم در خور ستایش و بزرگ همه است	نام خداوند	یزدان	۲۲۹
جشن های ایرانی چون جنبه تقدس و ستایش از خداوند داشته است از یسن و یزدان گرفته شده است	جشن	یسن	۲۳۰
در چم نیایش و ستایش خداوند است - جشن نیز از یسنا اوستایی آمده است	مهمترین بخش اوستا	یسنا - یشت	۲۳۱

به نام دادار هورمزد



واژه نامه اوستایی - پهلوی

بن مایه این نوشتارها

دانشنامه مزدیسنا - دکتر جهانگیر اوشیدری

پیام زرتشت - دکتر علی اکبر جعفری - خاور شناس ایرانی

فرهنگ لغات پارسی عمید - حسن عمید

گفتار خردمندان پرفسور فریدون جنیدی

گردآوری: ارشام پارسی

www.ariarman.com